

لغات مهم:

بلعت: فروبردم، بلعیدم، صرف کردن صیغه بلعت: خوردن

درزی: خیاط      بذله: شوخی، لطیفه      لطیفه: گفتار نغز، مطلب نیکو، نکته  
ای باریک

مجلس آرا: آن که با حضور خود سبب رونق مجلس می شود؛ بزم آرا

بلامعارض: بی رقیب      تنبوشه: لوله سفالین یا سیمانی کوتاه

فغان: ناله و زاری، فریاد      کباده: وسیله ای کمانی شکل در زورخانه

محظوظ: بهره‌ور      جبهه: پیشانی

شش دانگ: به طور کامل، تمام      محظور: مانع و مجازاً گرفتاری و مشکل

شخیص: بزرگ و ارجمند      ماسیدن: کنایه از به انجام رسیدن، به

ثمر رسیدن

کتل: پشته، تپه      مضغ: جویدن

کلک: آتشدانی از فلز یا سفال بقولات: انواع دانه‌های خوراکی & حبوبات

قطعه بعد آخری: تگه ای بعد از تگه دیگر      بحبوحه: میان، وسط

پتیاره: زشت و ترسناک      ما يتعلّقُ به: آنچه بدان وابسته است.

اطوار: رفتار و یا سخنی ناخوشایند و ناهنجار      هویدا: روشن، آشکار

تصنعی: ساختگی      متفرّعات: شاخه ها، شعبه ها، متعلّقات

انضمام: ضمیمه کردن      مایحتوی: آنچه درون چیزی است.

املاهای مهم:

قالب: شکل و ظرف

غالب: اکثر و بیشتر

ازل: زمان بی‌ابتدا

عزل: از کار برکنار شدن

عمارت: ساختمان، آباد کردن

امارت: فرمانروایی

مدرسه مجازی اینو